

آثار و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی فرهنگ مطالبه خسارت

عباس میر شکاری*

مونا عبدی**

نفیسه ملکی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

چکیده

اشتیاق فراوان شهروندان یک جامعه به طرح دعوا و مطالبه خسارت برای هر امری حتی جزئی یا نامعقول یا متقلبانه و تبدیل شدن این رفتار به یک عادت فراگیر و هنجار فرهنگی رایج در میان آنان سبب ایجاد پدیده‌ای با عنوان «فرهنگ مطالبه خسارت» شده است که با مقایسه تعداد دعاوی طرح شده در مقیاس کلان جامعه در بازه‌های زمانی مختلف قابل شناسایی است. این موضوع از همان ابتدا که در نظام حقوقی انگلستان و سپس امریکا مطرح شد، موافقان و مخالفانی داشت که بر آثار مثبت و منفی این پدیده تأکید می‌کردند. برای درک بهتر اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع در هر نظام حقوقی شایسته است در گام نخست این آثار معرفی شود. این نوشتار با رویکردی توصیفی و تحلیلی به بررسی این آثار از بعد اقتصادی و اجتماعی پرداخته است. یافته‌های حاصل از این بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگرچه افزایش طرح دعاوی در جامعه آثار منفی‌ای از جمله افزایش هزینه‌های مالی و اجتماعی، ریسک‌گریزی بیش از حد و عدم اطمینان و ترویج فرهنگ دیگران را مقصر دانستن در پی دارد، دارای آثار مثبتی از جمله افزایش مسئولیت‌پذیری و ارزیابی ریسک، بهبود سطوح ایمنی و سلامت و تحقق اهداف کلان حقوق مسئولیت مدنی است که نمی‌توان به راحتی از آن‌ها غافل شد. از این رو برای بهره‌مندی از آثار مثبت و جلوگیری از ایجاد آثار منفی چنین پدیده‌ای، نقش قانون‌گذاران در وضع قواعد کارآمد بسیار پررنگ است.

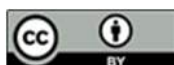
کلیدواژه‌گان:

ریسک‌گریزی، مسئولیت‌پذیری، بهبود سطح ایمنی و سلامت، تحقق اهداف مسئولیت مدنی.

* استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mirshekariabbas1@ut.ac.ir

** دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
monaabdi7@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
nafiseh.maleki@ut.ac.ir



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

براساس درک رایج در نظام‌های حقوقی مختلف، حقوق مسئولیت مدنی شاخه‌ای از حقوق خصوصی است که در آن، مجموعه‌ای از قواعد، نهادها و رویه‌ها با هدف انتقال هزینه حوادث از زیان‌دیده به موضوعی (فردی) دیگر بررسی می‌شود. این شاخه از حقوق، در پی بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیتی است که پیش از وقوع زیان داشته است. برای تحقق این هدف، لازم است زیان‌دیده طرح دعوا کند و نظام حقوقی نیز ابزارهای لازم برای دسترسی زیان‌دیده به جبران کامل خسارتش را فراهم آورد. در همین راستا حقوق خسارات با رشد و توسعه بسیاری به‌ویژه در دهه‌های اخیر مواجه شد تا این هدف را تأمین کند. اما رفته‌رفته با شروع قرن بیست و یکم و با توسعه مفهوم خسارت و افزایش ابزارهای جبرانی آن، نوعی معضل قضایی نیز در برخی جوامع پدیدار شد که با عنوان «فرهنگ مطالبه خسارت» در میان نویسندگان این حوزه شناخته می‌شود.^۱ فرهنگ مطالبه خسارت^۲ که برخی آن را بحران دعاوی^۳، سرطان قضایی^۴، انفجار طرح دعاوی مسئولیت مدنی^۵ و مانند این‌ها توصیف کرده‌اند،^۶ پدیده‌ای جامعه‌شناختی و فرهنگی است که در آن طرح سریع دعاوی مطالبه خسارت برای حوادث نسبتاً جزئی و گاه حتی نامعقول به‌عنوان بخشی از فرهنگ مردم جامعه تبدیل شده است و مردم به امید دریافت خسارت سریعاً اقدام به طرح دعوا می‌کنند.^۷ وجود چنین فرهنگی باعث طرح دعاوی بسیار زیاد در سیستم قضایی یک جامعه می‌شود و میزان ریسک‌پذیری و مسئولیت‌پذیری معقول اشخاص را در جامعه بسیار کاهش می‌دهد که همین موضوع آثار سوء اقتصادی و اجتماعی زیادی به همراه خواهد داشت. درواقع، اگرچه توسعه و تحول در حوزه خسارات دارای آثار مثبت بسیاری است و حرکتی به‌سمت جبران کامل خسارات و دسترسی بهتر به عدالت است، درعین‌حال، بعضی از این مقررات

1. O'Sullivan, Lauren, "Money for Nothing and Cheques for Free: Negligence and the Perceived Compensation Culture", *UK Law Student Review*, vol. 2, no. 1, 2014, p 74.

2. Compensation culture

3. Litigation crisis

4. The cancer of litigation

5. Explosion of tort litigation

6. Williams, Kevin, "State of Fear: Britain's Compensation Culture Reviewed", *Legal Studies*, vol. 25, no. 3, 2005, p 499.

7. www.collinsdictionary.com/dictionary/english/compensation-culture.

و تسهیلات سبب ایجاد این شبهه در برخی افراد شده است که می‌توان از این مقررات قانونی سوءاستفاده کرد و از این طریق عوایدی کسب کرد.

فرهنگ مطالبه خسارت نخستین بار در رسانه‌های کشور انگلستان^۱ و پس از بررسی و تجزیه و تحلیل آمارهای طرح دعاوی در مقیاس کلان در این کشور، به‌عنوان یک مشکل اجتماعی از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح شد. در این دهه، به موازات تخصصی شدن دعاوی مربوط به آسیب‌های جسمانی و ایجاد فضای رقابتی میان وکلا و مشاوران حقوقی^۲، نیاز به تبلیغات برای جذب موکل افزایش یافت و نوعی از تبلیغات وکالت با عنوان وکالت با حق الوکاله مشروط^۳ (مشروط به برنده شدن) (بدون برد- بدون مزد) از سال ۱۹۸۰ در فضای حقوقی انگلستان غالب شد.^۴ به این ترتیب، وکالت و مشاوره‌های حقوقی از وضعیت تعهد به وسیله، به قراردادهای تعهد به نتیجه و توافق‌نامه‌های پرداخت مشروط حق الوکاله^۵ تغییر شکل پیدا کردند و وکلا راه کسب درآمد را به جای پذیرش تعداد محدود پرونده‌های سنگین، در پذیرش تعداد زیاد پرونده‌های کوچک و آسان، اما پرتکرار همانند دعاوی مربوط به آسیب‌های جسمی یافتند.^۶ در نتیجه، ظهور بازار فعال طرح دعاوی جبران خسارات جسمانی تحت تأثیر تبلیغات وکالت‌های تضمینی در رسانه‌ها و توسط وکلا و شرکت‌های مدیریت دعاوی به‌عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد فرهنگ مطالبه خسارت در انگلستان مطرح شد؛ فرهنگی که در گزاره «مقصر بدان و طرح دعوا کن»^۷ خلاصه می‌شود.^۸ این فرهنگ بعدها با پرونده معروفی تحت عنوان «قهوه مک دونالد»^۹ در امریکا

۱. در یکی از عناوین سرمقاله‌های روزنامه‌ها، فرهنگ جبران خسارت به عنوان فرهنگی توصیف شده که بریتانیا را فلج کرده است:

The Culture that is Crippling Britain, Headline from *Daily Mail*, 21 February, 2004, p 20.

2. Abel, Richard and Kritzer, Herbert, *English Lawyers between Market and State: The Politics of Professionalism*, "The Fracturing Legal Profession: The Case of Plaintiffs' Personal Injury Lawyers", Oxford Socio-Legal Studies publication, vol: 8, 2003, pp 225, 579.

3. No win, no fee:

قراردادهای وکالتی که در آن‌ها در صورت عدم حصول نتیجه دلخواه موکل، هیچ حق الوکاله‌ای به او تعلق نمی‌گیرد.

4. Williams, Kevin, op.cit, p 353.

5. Conditional Fee Agreement (CFA)

6. M. Day, Time to End the Rich Pickings from Claims Lawyers and Insurers, *Times*, 1 November 2005.

7. Blame and claim

8. Quill, Eoin & Raymond Frriel, *Damages and Compensation Culture: Comparative Perspective*, Bloomsbury pub, 1st edition, 2016, p 2.

9. *Liebeck v McDonald's Restaurants, P.T.S., Inc.*, No. D-202 CV-93-o2419, 1995 WL 360309 (Bernalillo County, N.M. Dist. Ct. August 18, 1994) US.→

مطرح شد و در نظام حقوقی این کشور نیز مورد توجه و بررسی قرار گرفت. نخستین پرسشی که در برخورد با چنین پدیده‌ای مطرح شد و ضرورت توجه به آن را در میان محققان این حوزه ایجاد کرد، آثار اقتصادی اجتماعی بود که از وجود این پدیده در جوامع ایجاد می‌شد. به همین دلیل در این نوشتار تلاش شده تا به‌عنوان نقطه شروعی در معرفی و تحلیل این موضوع آثار و ابعاد اقتصادی و اجتماعی ایجاد چنین پدیده‌ای در جوامع معرفی گردد. این آثار به دو بخش آثار منفی و آثار مثبت افزایش طرح دعاوی مطالبه خسارت تقسیم شده است که در دو قسمت آتی به‌صورت تفصیلی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱. پیامدهای منفی فرهنگ مطالبه خسارت

با طرح مسئله فرهنگ مطالبه خسارت، نگرانی‌هایی مبنی بر این امر ایجاد شد که مسئولیت مدنی به‌جای آنکه ابزار تقویت فعالیت‌های اجتماعی باشد، به ابزاری برای تضعیف جامعه و فعالیت‌های اجتماعی بدل شده است؛ چراکه ایجاد یا توسعه این فرهنگ به سه دلیل مهم دارای اثرهای سوء بر جامعه خواهد بود؛ از جمله اینکه ایجاد یا تقویت این فرهنگ دلیل و شاهدهی بر افول اخلاقی جامعه محسوب می‌شود. همچنین، ریسک‌گریزی^۱ و عدم اطمینان افراد نسبت به یکدیگر را به دنبال دارد که نتیجه این امر این خواهد بود که برخی از خدمات و رویدادهای مفید و نافع اجتماعی به علت ریسک‌گریزی زیاد، لغو خواهد شد.^۲ با فراگیر شدن دعاوی مسئولیت مدنی، افراد به‌علت ترس از اینکه علیه آن‌ها دعاوی مسئولیت مدنی طرح شود، به شکل فزاینده‌ای ریسک‌گریزی و عدم فعالیت را ترجیح می‌دهند؛ این موضوع نه‌فقط مانعی برای فعالیت‌های اقتصادی تلقی می‌شود، بلکه حتی به نظر می‌رسد این قابلیت را دارد که فعالیت‌های روزمره افراد را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، در انگلیس علت امتناع مدارس از اینکه دانش‌آموزان را به اردو ببرند، ریسک‌گریزی و ترس از مسئول شناخته شدن مسئولان مدرسه

→ در این پرونده فنجان قهوه‌ای که توسط خواهان از این شرکت خریداری شده بود، روی پای او ریخت و سوختگی درجه ۳ ایجاد کرد. به‌دنبال آن، خواهان تحت سه عمل جراحی قرار گرفت و علیه این شرکت طرح دعوا کرد. در نهایت، دادگاه میزان محکومیت شرکت مک دونالد را مبلغ ۱۶۰۰۰۰ دلار بابت خسارات جبرانی و ۴۸۰۰۰۰ دلار به‌عنوان خسارت تنبیهی معین کرد.

1. Risk aversion

2. Morris, Annette, "Spiraling or Stabilizing? The Compensation Culture and Our Propensity to Claim Damages for Personal Injury", *The Modern Law Review*, Vol. 70, no. 3, 2007, pp 351-353.

معرفی شده است.^۱ به‌طور کلی، می‌توان آثار منفی فرهنگ مطالبه خسارت را به سه دسته آثار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم و آن‌ها را بررسی کرد:

۱.۱. آثار اقتصادی: افزایش هزینه‌های مالی و اجتماعی

افزایش ادعاهای جبران خسارت اثر مستقیمی بر افزایش هزینه‌های اقتصادی جامعه دارد. در نتیجه، سبب می‌شود که بخش قابل توجهی از بودجه مربوط به خدمات عمومی در جامعه کاهش یابد یا جریان وجوه از ارائه خدمات عمومی ارزشمند برای جامعه منحرف شود.^۲ تحت تأثیر افزایش موارد مطالبه خسارت، ریسک محکومیت افراد به جبران خسارت بالا می‌رود و در نتیجه، نرخ انواع بیمه توسط شرکت‌های بیمه افزایش می‌یابد. همچنین افزایش هزینه‌ها بر مقرون به صرفه بودن و در دسترس بودن بیمه‌ها تأثیرگذار است^۳ و در نتیجه، بسیاری از کسب و کارها سقوط می‌کنند یا در معرض خطر تعطیلی قرار می‌گیرند؛ زیرا بسیاری از آن‌ها نمی‌توانند از عهده بیمه‌های اجباری برآیند که این امر بر رقابت‌پذیری در بازار اثرگذار خواهد بود. همچنین، علاوه بر کسب و کارها با افزایش موارد طرح دعوی مسئولیت مدنی و افزایش ریسک، مبلغ حق بیمه‌ای که شرکت‌های بیمه تعیین می‌کنند، بسیار بالاتر می‌رود و این موضوع بیمه را برای گروهی از افراد جامعه نیز غیرقابل دسترس می‌کند.^۴

علاوه بر هزینه بیمه، هزینه‌های اجتماعی در بسیاری از حوزه‌ها دستخوش تغییرات مهمی می‌شود. هزینه‌های اداری و قضایی مربوط به پیگیری ادعای جبران خسارت، مستقیماً بر بودجه عمومی کشورها تأثیرگذار است. همچنین، افزایش طرح دعوا علیه پلیس، ادارات، مقامات اجرایی و نهادهای عمومی و مراکز درمانی و پزشکی نیز منجر به صرف بودجه‌های عمومی برای جبران خسارت وارد شده به زیان دیده با استفاده از منابع عمومی خواهد شد.

1. Lewis, Richard and Morris, Annette, "Tort Law Culture: Image and Reality", *Journal of Law and Society*, vol: 39, no. 4, 2012, p 581.

۲. کنفدراسیون صنعت بیمه بریتانیا (CBI) Confederation of British Industry در سال ۲۰۰۴ طی مقاله‌ای در روزنامه *دیلی میل* اعلام کرده است که طرح دعوی در پنج سال گذشته ۱۰۰ درصد افزایش یافته است و تداوم این امر را نوعی «غارت اقتصاد بریتانیا» توصیف کرده است.

Dawar, A., Injury Claims hurting Firms, *Daily Mail*, 6 July 2004, p 18.

3. Lord Young, "Common Sense Common Safety: Report on Health and Safety Laws and the Growth of the Compensation Culture", 2010, pp 19-23.

4. Dead Budgies and Muddy Boots Cost Us a Fortune, *Times*, 15 July 2003, p 581.

در یک پژوهش آماری در انگلستان، میزان هزینه‌های ناشی از افزایش دعاوی جبران خسارت توسط مؤسسه آمار این کشور اعلام شده است. هرچند پژوهشگران معتقدند نمی‌توان ادعا کرد آمار داده‌شده هیچ‌گونه خطایی ندارد، می‌توان با استفاده از این داده‌ها درکی کلی از میزان هزینه‌های ناشی از فرهنگ مطالبه خسارت به دست آورد. در این پژوهش چنین استنتاج شده که در کشور انگلستان سالانه مبلغ ده‌بیلیون پوند صرف هزینه‌های جبران خسارت (اعم از میزان خسارت پرداخته‌شده به زیان‌دیده و هزینه‌های اجرایی و قضایی) شده که مبلغی بسیار بالا و معادل یک‌درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. از این میزان، یک‌سوم صرف هزینه‌های جانبی مخارج اداری و قضایی شده و حدود ۶۵ درصد به افراد زیان‌دیده تعلق گرفته است.^۱ بخش بزرگی از این مبالغ نیز خسارت‌هایی را شامل می‌شود که مستقیماً بودجه عمومی کشور صرف آن می‌شوند. برای مثال، در حوزه مربوط به وزارت کشاورزی انگلستان، در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۶ حدود ۱۳۵ میلیون پوند در زمان شیوع بیماری جنون گاوی، برای جبران خسارت زیان‌دیدگان صرف شده است. در نمونه‌ای دیگر در حوزه مربوط به دپارتمان تجارت و صنعت انگلستان نیز در طول سال‌های اجرای برنامه معادن این کشور، حدود ۲۲۰ هزار ادعای جبران خسارت در این کشور مطرح شده و به‌طور تقریبی ۲،۲ میلیارد پوند صرف ادعای خسارت ناشی از گرد و خاک، مشکلات تنفسی و موارد مشابه شده است.^۲

یکی دیگر از مهم‌ترین آثار و هزینه‌های اجتماعی وجود چنین فرهنگی افزایش دعاوی ساختگی و واهی است که به درگیر شدن بیش از حد سیستم‌های قضایی منجر خواهد شد و شرایط برای کسانی که دعوای واقعی اقامه می‌کنند، دشوار و زمان‌بر می‌شود؛ زیرا در هر حال همه ادعاها باید در مراحل اولیه ارزیابی شوند و این امر وقت‌گیر و هزینه‌بر خواهد بود.^۳ از طرف دیگر، خواندگان این‌گونه دعاوی بیشتر سعی می‌کنند به دنبال حل و فصل آن در خارج از دادگاه باشند، هرچند که مدارک خواهان ضعیف باشد. دلیل این امر خودداری از متحمل شدن هزینه‌های قانونی و گرفتن وکیل و اجتناب از آسیب رسیدن به شهرت و اعتبار خود است.

1. Broughton, Jonathan et al, (2002), The Cost of Compensation Culture, The Institute & Faculty of Actuaries, December 2002, P: 68. Available at:

<https://www.actuaries.org.uk/system/files/documents/pdf/lowe.pdf>.

2. Ibid, p 33.

3. House of Commons: Constitutional Affairs Committee, 2005, p 13.

۱.۲. آثار اجتماعی: ریسک‌گریزی^۱

از دیگر معایب این فرهنگ، اقدامات و رویه‌های دفاعی است که توسط خوانندگان احتمالی اتخاذ می‌شود. فشار نظام مسئولیت مدنی گاهی منجر به بازدارندگی بیش از حد^۲ می‌شود و ممکن است مانع پرداختن افراد به فعالیت‌های سودمند اجتماعی به دلیل ترس از ورود خسارت به دیگران شود.^۳ با فراگیر شدن دعاوی مسئولیت مدنی، افراد به علت ترس از اینکه علیه آنها دعاوی مسئولیت مدنی طرح شود، به شکل فزاینده‌ای ریسک‌گریزی و عدم فعالیت را ترجیح می‌دهند و این موضوع بسیاری از فعالیت‌های مفید و نافع اجتماعی را لغو می‌کند؛^۴ این موضوع نه فقط مانعی برای فعالیت‌های اقتصادی تلقی می‌شود، بلکه حتی به نظر می‌رسد این قابلیت را دارد که فعالیت‌های روزمره افراد را تحت‌تأثیر قرار دهد. برای مثال، در انگلیس علت امتناع مدارس از اینکه دانش‌آموزان را به اردو ببرند، ریسک‌گریزی و ترس از مسئول شناخته شدن مدیران مدرسه معرفی شده است.^۵ خدشه‌دار شدن ریسک‌پذیری منطقی اشخاص در جامعه تحت‌تأثیر فرهنگ مطالبه خسارت، به کارایی و رقابت ضربه وارد می‌کند و از انجام دادن برخی فعالیت‌ها و ریسک‌های ارزشمند در جامعه جلوگیری می‌کند.^۶ نخست‌وزیر وقت انگلیس^۷ در سال ۲۰۰۵ در یک سخنرانی درباره فرهنگ مطالبه خسارت، علت از دست دادن بازارهای کشورهای آسیایی را ترس ناشی از محکومیت بازیگران اقتصادی انگلستان از جبران خسارت معرفی کرده است؛ در حالی که کشورهای آسیایی به‌ویژه چین در نقطه مقابل در تولید و فروش محصولات جدید، ریسک‌پذیری بالایی از خود نشان داده‌اند و در نتیجه، بازار فروش کالا را تصاحب کرده‌اند.^۸ براساس سومین گزارش ارائه‌شده در سال ۲۰۰۵ از سوی کمیته مجلس عوام انگلستان شواهد زیادی از ریسک‌گریزی بیش از حد در میان شهروندان وجود دارد که نشان می‌دهد حتی صرف وجود تصور مسئول شناخته شدن در میان مردم مشکلات واقعی را ایجاد می‌کند؛ بنابراین، حتی اگر وجود این فرهنگ واقعیت نداشته باشد، هزینه این تصور بر جامعه بسیار واقعی است. در

1. Risk aversion
2. Overdeterrence

۳. بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۵۷۳.

4. Morris, Annette, op.cit, pp 351-353.

5. Lewis, Richard and Morris, Annette, op.cit, p 581.

6. Lord Falconer, Risks and Redress: Preventing a Compensation Culture, 2005.

7. Tony Blair

8. See: <https://www.theguardian.com/politics/2005/may/26/speeches.media>.

یکی از مطالعاتی که در دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۹۰ انجام شد، نشان داده شده که تهدید و ترس از اقامه دعوا سه برابر بیشتر از خطر واقعی اقامه دعواست و این موضوع بیانگر تصور و باور عمومی نسبت به وجود این فرهنگ در جامعه است.^۱

نویسنده‌ای در زمینه پزشکی این وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند که وجود فرهنگ مطالبه خسارت سبب می‌شود پزشکان در فعالیت‌های خود به بررسی دقیق‌تر سوابق بیماران، تجویز آزمایش‌های تشخیصی غیرضروری، خودداری از انجام دادن برخی جراحی‌ها و روش‌های درمانی پرریسک و خودداری از درمان بیمارانی که ریسک اقامه دعوا از جانب آنها زیاد است، اقدام کنند.^۲ همچنین، مانع از نوآوری در صنایع مهم و حساس از جمله صنعت داروسازی و طراحی درمان‌های نوین خواهد شد.^۳

از دیگر اثرهای سوء وجود چنین فرهنگی در جامعه در زمینه رابطه کارگر و کارفرما این است که کارفرمایان ریسک‌گریز را بیشتر به سمت اتوماتیک کردن تولید و کاهش تعداد کارمندان و حتی برون‌سپاری تولیدات به خارج از کشور سوق خواهد داد؛ چراکه بدین وسیله از امکان طرح دعوا از سوی کارگران رهایی خواهند یافت. این احتیاط تا اندازه‌ای قابل‌قبول خواهد بود، اگر بدانیم براساس یک نظرسنجی انجام‌شده از سوی یک مؤسسه حقوقی تخصصی در حوزه کار از هر ۱۰ نفر، ۹ نفر در صورتی که بدانند با دروغ گفتن می‌توانند از کارفرمای خود خسارت دریافت کنند، حاضرند که دروغ بگویند.^۴

ریسک‌گریزی و ترس از مسئول شناخته شدن ناشی از طرح دعوی جبران خسارت، بر فعالیت‌های سودمند اجتماعی و حتی بر فعالیت‌های روزمره افراد تأثیرگذار است.^۵ برای مثال، در همه فعالیت‌های ورزشی همواره احتمال ورود آسیب جسمی به افراد شرکت‌کننده در آن ورزش وجود دارد و زمانی که ریسک طرح دعوی خسارت بالا می‌رود، مبالغ بیمه‌های ورزشی نیز افزایش می‌یابد. به‌نحوی که قرار دادن این فعالیت‌ها یا امکان ورزشی تحت پوشش بیمه برای

1. Lord Falconer, *Risks and Redress: Preventing a Compensation Culture*, 2005.

2. Ennis, Maeve & Vincent, Charles, (1994), "Medical Accidents and Litigation", *Journal of Law and Policy*, vol: 16, 1994, p 97.

3. Hand, James, "The Compensation Culture: Cliché or Cause for Concern", *Journal of Law and Society*, vol: 37, no. 4, 2010, p 572 et seq.

4. AON Report, *Blame, Claim and Gain: The Compensation and Blame Culture, Myth or Reality?* 2004, p 572.

5. *Ibid*, 573.

بسیاری از مؤسسات و باشگاه‌ها غیراقتصادی و پرهزینه می‌شود. در نتیجه، هرچند این مسئله بر فعالیت‌های ورزشی مثل فوتبال در سطوح بالا به دلیل گردش مالی زیاد آنها عملاً تأثیری ندارد، اما فعالیت‌های ورزشی در سطوح خرد و تیم‌های کوچک که اتفاقاً توسط افراد عادی جامعه انجام می‌شود، مختل می‌شوند؛ چراکه این فعالیت‌ها و مؤسسات تحت پوشش قرار نمی‌گیرند یا بیمه مناسبی ندارند و در نتیجه، با کوچک‌ترین ادعاهای جبران خسارت از بین می‌روند.

علاوه بر تأثیر سوء فرهنگ مطالبه خسارت بر بدنه جامعه، فرهنگ مطالبه خسارت بر خدمات عمومی نیز تأثیر سوء دارد و موجب تعطیلی خدمات عمومی، مانند مراکز تفریحی عمومی و پارک‌های بازی کودکان، به دلیل ریسک ادعای جبران خسارت می‌شود. این ریسک‌گریزی در انگلستان تا حدی پیش رفت که در یک مقطع زمانی، شورای شهر نورویچ انگلستان تصمیم گرفت درخت‌های بلوط یک محله از این شهر را به‌خاطر ریسک مسئولیت ناشی از افتادن بلوط روی سر مردم، قطع کند.^۱

۱.۳. آثار فرهنگی: ترویج فرهنگ «دیگران را مقصر بدان»^۲

تغییر عمیق و درعین‌حال نامحسوس فرهنگ مطالبه خسارت را باید در دیدگاه افراد جامعه نسبت به مسئولیت شخصی (خود) در برابر مسئولیت دیگری (اعم از افراد، دولت، شرکت یا هر عنصر مرتبط به حادثه زیان آور) جست‌وجو کرد. در وهله نخست، شاید این‌گونه به نظر برسد که افراد جامعه باید حق خود را در هر مورد مطالبه کنند، اما این برخورد افراطی موجب مداخله حقوق در کوچک‌ترین حوادث به‌جای حل مشکلات از طریق گذشت، تساهل و مصالحه می‌شود و این موضوع باعث از بین رفتن یا کم‌رنگ شدن مسئولیت‌پذیری شهروندان خواهد شد؛ زیرا برای هر امر جزئی و هر نوع حادثه‌ای بیشتر به دنبال مقصر کردن دیگران هستند. در نهایت، شهروندان یک جامعه کمتر با هم‌نوعان خود مدارا و بیشتر مقابله می‌کنند.^۳ برای مثال، فرض کنید کودکی از مدرسه فرار می‌کند. والدین او به‌جای اینکه لاقلاً تا حدودی مسئولیت را متوجه خود یا کودک بدانند، از مدرسه به‌خاطر عدم احتیاط کافی مطالبه خسارت می‌کنند. اگر در قوطی کنسرو دست مصرف‌کننده را ببرد، این شخص تحت‌تأثیر فرهنگ مقصر دانستن دیگران، به‌جای آنکه از این

1. Broughton, Jonathan et al, op.cit, p.35

2. Blame culture

3. Williams, Kevin, op.cit, p.513.

پس بیشتر جانب احتیاط را رعایت کند، علیه تولیدکننده کنسرو طرح دعوا می‌کند تا از او خسارت بگیرد. در واقع این فرهنگ، فردگرایی افراطی و طمع را در شهروندان تشویق می‌کند و حتی در سطوح بالاتر منجر به افزایش بیکاری و مانع پیشرفت در صنایع مهم و حساس همچون صنعت بهداشت و درمان و دیگر صنایع مهم جامعه می‌شود.^۱

تحت تأثیر این آثار فرهنگ مطالبه خسارت و نگرانی‌هایی که به گفت‌وگوهای سیاست‌مداران انگلستان نیز راه یافته بود،^۲ پارلمان انگلستان در سال ۲۰۰۶ قانونی تحت عنوان قانون جبران خسارت^۳ را تصویب کرد. هدف اصلی این قانون ساماندهی وضعیت شرکت‌های مدیریت دعوا (CMC) بود که به عنوان مهم‌ترین عامل افزایش دعاوی در انگلستان شناخته می‌شوند. این قانون تشکیل و فعالیت شرکت‌های طرح دعوا را منوط به اخذ مجوزهایی خاص کرده و برای تبلیغات و نحوه فعالیت این شرکت‌ها نیز چارچوب‌ها و حدود قانونی تعیین کرده است، مانند اینکه از تبلیغات این شرکت‌ها نباید ایجاد انگیزه مالی طرح دعوا برای زیان‌دیده برداشت شود.

این قانون برای خنثی کردن ریسک‌گریزی ایجاد شده در جامعه انگلستان، این هدف را نیز داشته که با روشن‌تر کردن معیار تقصیر در کامن‌لا، این اطمینان را به افراد جامعه بدهد که در برابر حوادثی که با یک دقت متعارف از جانب آنها قابل‌پیشگیری نبوده، مسئولیتی ندارند.^۴ از این رو در بخش نخست این قانون تصریح شده که دادگاه در بررسی این موضوع که آیا خواننده دقت متعارف را برآورده کرده یا خیر، این موضوع را در نظر می‌گیرد که انجام دادن آن اقدامات مانع انجام یک فعالیت مطلوب نشود. البته در ارتباط با معیار اخیر، حقوقدانان این کشور معتقدند قانون جبران خسارت سال ۲۰۰۶ چیزی جز بازگویی همان قواعد مسئولیت مدنی کامن‌لا نیست و صرفاً موضوعی مبهم تحت عنوان فعالیت مطلوب را ایجاد کرده که البته اثر مهمی بر آن مترتب نیست.^۵ این معیار نه یک دفاع جدید برای خواننده دعاوی مسئولیت مدنی محسوب می‌شود و نه

1. Williams, Harriet Ann, "Compensation Culture: A Storm in a Coffee Cup", *Southampton Student Law Review*, vol: 1, no. 1, 2011, p 64.

2. Baroness, Ashton, Written Ministerial Statement - House of Lords, Department of Constitutional. Affairs. Retrieved 20 March 2008. Available at:

http://www.dca.gov.uk/legist/compensation_wms_lords.pdf/

3. Compensation Act.

4. Hand, James, op.cit, pp 575-576.

5. Quill, Eoin & Raymond Friel, *Damages and Compensation Culture: Comparative Perspective*, Bloomsbury pub, 1st edition, 2016, p 328.

تأثیری بر این مسئله دارد که تکلیف مراقبت^۱ در کامن‌لا چه زمانی شناسایی می‌شود، بلکه تنها چهره‌ای از مسئله نقض تکلیف به مراقبت^۲ در کامن‌لا است که خود به معیار رفتار متعارف برمی‌گردد؛ به این صورت که قاضی می‌تواند این موضوع که «کاهش یا حذف ریسک ورود خسارت به دیگری، مانع انجام یک فعالیت مطلوب شود» را برای احراز اینکه آیا خواننده در قبول آن ریسک به نحو متعارف عمل کرده یا خیر، در نظر بگیرد.^۳

در جامعه آمریکا نیز تصور وجود فرهنگ مطالبه خسارت باعث ایجاد آثار منفی بسیاری در حوزه حقوق مسئولیت مدنی شده که از جمله آنها می‌توان به ایجاد کمپین‌های مختلف برای اصلاح و بازبینی مقررات این حوزه و محدود کردن عناوین خسارات و میزان قابل مطالبه خسارات اشاره کرد. اندیشکده‌ها یا انجمن‌هایی از جمله مؤسسه منهن برای تحقیقات سیاسی و راهبردی^۴ یا انجمن امریکایی بازبینی در مقررات مسئولیت مدنی^۵ و نهادهای محلی از جمله شهروندان مخالف سوءاستفاده از طرح دعوا^۶ و نیز شرکت‌های بسیار بزرگی همچون شرکت‌های دخیانیت، شرکت‌های بیمه‌ای و غیره بودجه‌های بسیاری را به استناد وجود فرهنگ مطالبه خسارت در آمریکا به این امر تخصیص دادند تا بازبینی و اصلاح در مقررات حوزه مسئولیت مدنی ایجاد شود. حتی جورج بوش شعار تغییر و اصلاح مقررات مسئولیت مدنی را به یکی از شعارهای انتخاباتی و مبارزاتی خود تبدیل کرده بود. البته لازم به ذکر است هدف تمامی مدافعان اصلاح مقررات حوزه مسئولیت مدنی صرفاً تغییر قوانین نبود، بلکه تغییر نحوه تفکر مردم آمریکا در مورد صدمه و آسیب و عدالت بود و این استراتژی تغییر فرهنگ آنها نیز تا حدود زیادی موفق شد.^۷ به‌عنوان مثال در سال ۱۹۷۵ در ایالت کالیفرنیا قانون اصلاح مقررات جبران خسارت ناشی از آسیب‌های پزشکی^۸ تصویب شد که براساس آن، برای خسارات معنوی ناشی از درد و رنج، سقف ۲۵۰،۰۰۰ دلار تعیین شد. مطالعات RAND تأثیر این قانون را بر کاهش میزان آرای قضائی صادره در پرونده‌های قصور و تقصیر پزشکی تا ۳۰ درصد نشان داد. همچنین، این مطالعات اثبات کرد که

1. Duty of care

2. Breach of duty

3. Morris, Annette, op.cit, p.369.

4. The Manhattan Institute for Policy Research (MIPR)

5. The American Tort Reform Association (ATRA)

6. Citizens Against Lawsuit Abuse (CALA)

7. Engel, David, op.cit, p.12.

8. Medical Injury Compensation Reform Act (MICRA) (1975) CA

زنان و کسانی که آسیب بیشتری دیده بودند از این قانون بیشتر از دیگران تأثیر پذیرفتند و بخش کمتری از خساراتشان جبران شد. نمونه دیگر از این اصلاحات قوانین در حوزه مسئولیت مدنی که نتیجه بزرگ‌نمایی در فرهنگ مطالبه خسارت بود، در دهه ۱۹۸۰ اتفاق افتاد که به موجب آن نه فقط برای خسارات معنوی، بلکه برای خسارات تنبیهی و حتی طرح دعاوی گروهی محدودیت‌هایی وضع شد و علاوه بر آن، استانداردهای مربوط به مسئولیت محض در زمینه مسئولیت ناشی از تولید نیز تعدیل شد.^۱ مجموع این اقدامات دسترسی به عدالت را برای میلیون‌ها آمریکایی آسیب‌دیده کاهش داد.

۲. پیامدهای مثبت فرهنگ مطالبه خسارت

هرچند چنین ادعا می‌شود که افزایش تعداد دعاوی مسئولیت مدنی، موجب توقف فعالیت‌های اجتماعی می‌شود و نشانگر افول اخلاقی جامعه است، در نقطه مقابل می‌توان در جهت عکس استدلال‌های مطرح‌شده، آثار مثبتی برای افزایش دعاوی مسئولیت مدنی در نظر گرفت تا بتوان نهایتاً به تصویری صحیح از این پدیده دست یافت. ترویج ارزیابی ریسک، افزایش مسئولیت‌پذیری، بهبود سطح ایمنی و سلامت در جامعه و تحقق اهداف مسئولیت مدنی از جمله این موارد است:

۲.۱. آثار اقتصادی: ترویج ارزیابی ریسک

فرهنگ مطالبه خسارت در عرصه فردی می‌تواند مسئولیت‌پذیری و احتیاط معقول را بین افراد جامعه ترویج دهد. در فعالیت‌های تجاری نیز این فرهنگ با ترویج ارزیابی ریسک^۲ می‌تواند موجب بهبود فعالیت‌های سودمند اجتماعی و تجاری شود؛ امری که تمام سازمان‌ها برای دستیابی به اهداف خود و سوددهی نیازمند به آن هستند.^۳ خصوصاً باید توجه کنیم نقد فرهنگ مطالبه خسارت به معنای تعطیلی مسئولیت مدنی نیست و صرفاً در جهت محدود کردن سیر افزایشی موارد مطالبه خسارت حرکت می‌کند. حال فرض کنید در جامعه‌ای طرح دعاوی جبران خسارت متداول نباشد. در این صورت، بنگاه‌های اقتصادی، به‌خصوص بنگاه‌های تجاری کوچک،

1. Engel, David, op.cit, p 11.

2. Hand, James, op.cit, p 573.

۳. قلی‌پور، آرین، محمد ابوبی اردکان، حسن قالیباف اصل و اصغر اسدی، «استقرار فرهنگ ریسک در مؤسسه‌های مالی»، مدل‌سازی ریسک و مهندسی مالی، دوره ۲، ۱۳۹۶، شماره ۱، ص ۴۵.

کمر اقدامی برای ارزیابی ریسک مسئولیت مدنی و مدیریت آن به عمل خواهند آورد؛ چراکه مطالبه زیان امری استثنایی تلقی می‌شود. در این صورت، چه بسا با وقوع یک حادثه زیان‌آور جدی توسط آن شرکت، فعالیت آن تحت‌الشعاع قرار گیرد و حتی ورشکسته و تعطیل شود. اما در فرض رایج بودن مطالبه خسارت در جامعه و در نتیجه شناسایی دقیق ریسک‌های بالقوه، آن شرکت آمادگی بیشتری برای مواجهه با ریسک‌ها و مدیریت آنها خواهد داشت. بدین ترتیب، علی‌رغم ادعای منتقدان فرهنگ مطالبه خسارت که افزایش دعاوی و ریسک تحمیل مسئولیت را عامل توقف نوآوری و ابداع می‌دانند، وجود این فرهنگ به تمام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، گوشزد می‌کند که فقط در صورتی فعالیت خود را آغاز کنند که سازوکاری مناسب برای شناسایی دقیق ریسک جبران خسارت، ارزیابی و مدیریت آن اتخاذ کنند تا خود را از مخاطرات احتمالی آینده محافظت کنند.

همچنین کسب‌وکارها ممکن است خود در معرض زیان قرار گیرند. در این صورت، رایج بودن طرح دعوی مسئولیت و سهل‌الوصول بودن خسارت، به‌ویژه در مورد ضررهایی که ریشه اقتصادی^۱ دارند، می‌تواند با جبران خسارت آنها به بازگشت سرمایه و بهبود فعالیت‌های اقتصادی کمک کند.

۲.۲. آثار اجتماعی: افزایش مسئولیت‌پذیری

افزایش طرح دعوی مطالبه خسارت در بلندمدت در یک جامعه نه فقط افول اخلاقی جامعه را به دنبال ندارد، بلکه برعکس، می‌تواند موجب افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان و رعایت احتیاط‌های لازم و البته معقول در فعالیت‌های اجتماعی آنها باشد. در مقایسه با نظام حقوقی که در آن، طرح دعوی مطالبه خسارت در مقایسه با وقایع زیان‌آور نادر و ناچیز است، جامعه‌ای را در نظر بگیرید که به دلیل رایج بودن دعوی جبران خسارت، افراد به‌خوبی می‌دانند که در صورت آسیب رساندن به دیگری باید جبران خسارت کنند و لزوم جبران خسارت زیان‌دیده، فقط بحثی نظری، ایدئال و محدود به کتاب‌های حقوقی نیست، بلکه به‌عنوان یک فرهنگ حقوقی عملی در جامعه کاربرد دارد. نتیجه بدیهی چنین وضعیتی در جامعه این خواهد بود که افراد تکلیف اجتماعی مراقبت و احتیاط نسبت به دیگران را رعایت می‌کنند. ضمناً، این ادعا که افزایش تعداد

۱. درباره ضرر اقتصادی، ر.ک: بادینی، حسن، «بررسی تطبیقی قابلیت جبران «ضرر اقتصادی» در مسئولیت مدنی»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۱، ۱۳۹۰، شماره ۱، صص ۸۷-۵۹.

موارد مطالبه خسارت موجب محافظه‌کاری افراطی و توقف فعالیت‌های اجتماعی سودمند به دلیل ترس از مسئولیت جبران خسارت می‌شود نیز با مسلمات نظام مسئولیت مدنی سازگاری ندارد؛ چراکه در نظام‌های مختلف مسئولیت مدنی، چه در کامن‌لا و چه در سیویل‌لا، قواعد رفتاری و استانداردهای تثبیت‌شده‌ای برای افراد جامعه فرض می‌شود که فقط در صورت پایین بودن رفتار افراد از این استانداردها، رفتار آنها تقصیرآمیز تلقی و تعهد به جبران خسارت بر آنها بار می‌شود. این استاندارد در کامن‌لا به انسان معقول، در سیویل‌لا، به پدر خوب خانواده، در آلمان به انسان معمولی و در حقوق اسلامی به رفتار متعارف تعبیر می‌شود.^۱ بنابراین، باوجود چنین معیارهایی، فقط در صورت خروج فرد از رفتار معقول، او مکلف به جبران خسارت می‌شود. در این صورت افزایش تعداد موارد جبران خسارت نباید هیچ‌گونه نگرانی برای افراد برای انجام دادن فعالیت‌های اجتماعی ایجاد کند؛ کافی است آنها در حدود متعارف و معقول رفتار کنند؛ بدین ترتیب، هرگونه تلاش برای کاهش دادن موارد مطالبه خسارت به بهانه ایجاد هزینه اجتماعی که معیارهای فوق را نادیده بگیرد، مانند این است که به واردکنندگان زیان برای خروج از رفتار متعارف و انجام دادن رفتارهای تقصیرآمیز یارانه بدهیم.

اگر در نگاه منتقدان فرهنگ مطالبه خسارت، مسامحه و اغماض افراد جامعه نسبت به مطالبه حق خود و دریافت خسارت مطلوب محسوب می‌شود، در نقطه مقابل، همین مسئله می‌تواند یک ناهنجاری اجتماعی و موجب سهل‌انگاری بیشتر واردکنندگان زیان تلقی شود. چه بسا لازم باشد به جای نگرانی از ایجاد فرهنگ مطالبه خسارت در نتیجه افزایش تعداد دعاوی مسئولیت مدنی، نگران ایجاد فرهنگ تقصیر در جامعه باشیم که در نتیجه مسامحه زیان‌دیدگان نسبت به طرح دعاوی مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود.

۲.۳. آثار فنی: بهبود سطح ایمنی و سلامت

در جامعه‌ای که مطالبه خسارت در صورت ورود زیان به افراد امری معمول و رایج است، این آگاهی و هشدار عمومی وجود دارد که در صورت انجام دادن فعل زیان‌بار، تحمل جبران خسارت زیان‌دیده امری گریزناپذیر است؛ در این وضعیت، انتقال هزینه حوادث به وسیله طرح دعا از

۱. بادینی، حسن، «نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۰، ۱۳۸۹، شماره ۱، ص ۷۴.

شخص زیان‌دیده به شخص حقیقی یا حقوقی که امکان جلوگیری از حادثه را داشته، این انگیزه را برای اشخاص ایجاد می‌کند که به‌جای جبران خسارت، در زمینه پیشگیری از وقوع حادثه سرمایه‌گذاری کنند و این موضوع در درازمدت، کاهش میزان حوادث را در پی خواهد داشت.^۱ به بیان دیگر، از یک سو تمایل افراد برای اجتناب از تحمل جبران خسارت دیگری می‌تواند برای خود آنها انگیزه‌ای نیرومند برای پیشگیری از وقوع حادثه باشد و از سوی دیگر تحمل مسئولیت توسط یک واردکننده زیان به‌طور خاص و به موجب عملکرد زیان‌آور گذشته‌اش، سایر افرادی را که در موقعیت مشابه قرار دارند، وادار به انجام دادن اقدامات احتیاطی می‌کند تا در آینده از وقوع حادثه زیان‌بار جلوگیری کنند.^۲

یکی از بهترین نمونه‌های عملی برای اثبات این ویژگی فرهنگ مطالبه خسارت، پرونده‌های معروفی در امریکا تحت‌عنوان «پرونده‌های پنبه‌نسوز»^۳ است. ازبست یا پنبه نسوز ماده‌ای با مقاومت بالا نسبت به حرارت است که حجم زیادی از آن در گذشته در صنایع مختلف استفاده می‌شد. تنفس الیاف‌های ریز این ماده انواع مختلفی از بیماری‌ها و سرطان‌های تنفسی، گوارشی و پوستی را به دنبال دارد. در گزارش‌های ارائه‌شده از ایالات متحده امریکا چنین تخمین زده شده که حدود صد میلیون از شهروندان امریکایی در طول زمان در معرض این ماده بوده‌اند و تا پایان سال ۲۰۰۲، ۷۳۰,۰۰۰ نفر علیه ۸۴۰۰ نفر دعوای مسئولیت مدنی طرح کرده‌اند و مقدار خسارت پرداخت‌شده توسط خوانده‌ها و بیمه‌گران آنها، هفتاد میلیارد دلار تخمین زده شده است. بدین ترتیب این موضوع از پرشمارترین دعوای مسئولیت مدنی در حقوق امریکا محسوب می‌شود. علی‌رغم اینکه این دعوای موجب ورشکستگی تعداد زیادی از شرکت‌های درگیر با موضوع به‌عنوان واردکننده زیان شد^۴، پس از پیروزی دعوای مسئولیت مدنی در این زمینه از سال ۱۹۷۰ به بعد، مقررات متعددی در زمینه اعمال محدودیت بر محیط‌های کاری که با این ماده سروکار داشتند، وضع شد و تعدد و فشار دعوای مسئولیت، نهایتاً موجب شد تولیدکنندگان پنبه نسوز را از

۱. بادینی، حسن و سمیه عباسی، «ارزیابی مسئولیت مدنی و مقررات ایمنی در پیشگیری از فعالیت‌های خطرآفرین»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۶، شماره ۹۹، ص ۳۴.

2. Barnes, David and Lynn Stout, *The Economic Analysis of Tort Law*, West Publishing Co., 1992, p 46.

3. Asbestos

4. Asbestos Litigation in the U.S.: A New Look at an Old Issue, Deborah Hensler, Stephen Carroll, Michelle White, and Jennifer Gross, The RAND documented briefing series, Institute for Civil Justice, p 10.

بیشتر کالاها حذف کنند.^۱ بدین ترتیب، هرچند افزایش دعاوی مسئولیت مدنی موجب ایجاد هزینه‌هایی برای فعالان اقتصادی و جامعه می‌شود، نباید از آثار مثبت آن برای کلیت جامعه چشم‌پوشی کرد. یک بررسی در سال ۱۹۷۱ در آمریکا نشان داده بیش از ۵۰ درصد شرکت‌های بزرگ مورد مطالعه، برای کاهش ریسک مسئولیت برنامه‌ریزی کرده‌اند. همچنین در یک تحقیق دیگر در سال ۱۹۸۰، که برای ارزیابی اثر مسئولیت مدنی بر طراحی کالاهای مصرفی انجام شده، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که مسئولیت مهم‌ترین عامل مؤثر بر طراحی کالاها بوده و اقامه دعاوی مسئولیت، سطح ایمنی برخی کالاها را بهبود بخشیده است.^۲

در نظر گرفتن ریسک مسئولیت به‌عنوان عامل پیشگیرانه در ورود زیان به قدری اهمیت پیدا کرده که می‌توان از اصلی به عنوان اصل احتیاط به‌ویژه در تولیدات جدید یاد کرد که دارای دو کارکرد پیشگیرانه (پیش از وقوع زیان) و جبرانی (پس از وقوع آن) در حقوق مسئولیت مدنی است. این اصل مربوط به مواقعی است که با ریسک مظنون مواجهیم؛ یعنی خطری احتمالی که هرچند از نظر علمی به‌طور قطعی ثابت نشده باشد، اما فرضیه‌های علمی متعددی از رابطه سببیت احتمالی میان آن خطر و وقوع زیان حمایت می‌کند. درواقع، هدف این اصل جلوگیری از عواقب منفی ولی احتمالی ناشی از خطری جدی یا برگشت‌ناپذیر ناشی از یک محصول یا کالا است که یقین علمی به وقوع آن وجود ندارد. این اصل درمورد تکنولوژی‌های جدید و خطرناک مانند استفاده از آفت‌کش‌ها، داروها یا افزودنی‌های غذایی، بیش از سایر محصولات به چشم می‌خورد. نمونه کاربرد این اصل، در پرونده موسوم به ملامین در چین قابل ملاحظه است.^۳ در این کشور، شرکت‌های تولیدکننده محصولات غذایی بدون اطلاع از عوارض مرگ‌بار ملامین باوجود آگاهی از اینکه ملامین افزودنی غذایی نیست، آن را به پودر شیر اضافه کردند و دولت نیز پس از اطلاع از این موضوع هیچ‌گونه اقدام سریعی در این خصوص انجام نداد و در تاریخ ۹ سپتامبر ۲۰۰۸، چهارده کودک با خوردن شیرهای آلوده به ملامین فوت کردند. واقعیت این است که شرکت‌های غذایی از مرگ‌بار بودن این ماده اطلاعی نداشتند، ولی در نظر گرفتن ریسک

۱. همان، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۳۵.

۳. ایزانلو، محسن و زهرا اسدی، «مطالعه تطبیقی کارکردهای دوگانه اصل احتیاط در مسئولیت مدنی»، مجله مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۱۰، ۱۳۹۸، شماره ۲، صص ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰ و ۴۲۰.

مسئولیت در قالب اصل احتیاط می‌توانست مانع وقوع چنین خساراتی شود. در پرونده‌های متعدد، همین اصل موجب توقف فعالیت‌های زیان‌بار یا پیشگیری از آنها در سطح گسترده شده است؛ برای مثال، در پرونده‌ای مربوط به شیوع بیماری آنفلوآنزای مرغی، دادگاه ایتالیا با ابراز نگرانی نسبت به ریسک انتقال بیماری و ورود خسارت به انسان، رأی به قرنطینه کردن بوقلمون‌های موجود در زمین‌های کشاورزی داده است.^۱

۲.۴. آثار حقوقی: تحقق اهداف کلان مسئولیت مدنی

منتقدان فرهنگ مطالبه زیان معتقدند افزایش موارد مطالبه خسارت در پرونده‌هایی که ضررهای وارده ناچیز و کم‌اهمیت است، دلالت بر این دارد که افراد جامعه انگیزه‌های مالی از طرح ادعای مسئولیت مدنی دارند و این تمایل افراطی به مطالبه خسارت باید کنترل شود. به نظر می‌رسد این نوع نگاه به مسئولیت مدنی با در نظر گرفتن اهدافی که از برقراری مسئولیت مدنی مورد انتظار است، با ایراداتی مواجه است:

اولاً، نفس وجود انگیزه مالی برای زیان‌دیده از مطالبه خسارت نمی‌تواند به‌عنوان امری نامطلوب و سرزنش‌آمیز تلقی شود. اساساً یکی از نخستین کارکردهای مسئولیت مدنی در ارتباط با زیان‌دیده، جبران خسارت او به صورت پرداخت مبلغی پول است و چه بسا بتوان گفت راه‌های دیگر نقش فرعی دارند.^۲ در این صورت، بدیهی است یکی از انگیزه‌های زیان‌دیده در هر موضوع، انگیزه مالی باشد. وقتی خودروی شخص زیان‌دیده در اثر تقصیر دیگری آسیب می‌بیند، انگیزه او از تعقیب زیان‌دیده، پیش و بیش از هر چیز، انگیزه مالی است. حداقلی‌ترین حقی که می‌توان برای شخصی که در حادثه‌ای آسیب جسمی دیده تصور کرد، پرداخت مبلغی پول به او برای جبران زیان‌های وارده به جسم و هزینه‌های درمانی است. حتی این موضوع نیز پذیرفته شده که جبران خسارت معنوی واردشده به اشخاص نیز می‌تواند از طریق تبدیل به پول صورت گیرد.^۳ در این صورت، این موضوع که زیان‌دیدگان از طرح ادعای مسئولیت مدنی، انگیزه مالی دارند، نه فقط

1. Caranta. R, "The Precautionary Principle in Italian Law", *Precautionary and Administrative Law XVLL congress 16-22 July*, Michel, Bruxelles, 2007, p 22.

۲. بادینی، حسن، «هدف مسئولیت مدنی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۶۶، ۱۳۸۳، شماره ۵۲۰، ص ۶۳.

۳. شوشی نسب، نفیسه، «نحوه ارزیابی خسارت‌های درد و رنج»، *مجله پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۳، ۱۳۹۰، شماره ۳۳، صص ۱۱۰ به بعد.

ایراد به نظر نمی‌رسد، بلکه از بدیهیات مسئولیت مدنی است. انگیزه مالی از دعوی مطالبه خسارت فقط زمانی مشکل‌ساز است که پیش از وقوع حادثه، برای زیان دیده وجود داشته باشد و با زمینه‌سازی او، حادثه زیان‌آور شکل گیرد. هرچند نظام حقوقی موظف به مقابله با چنین دعوی متقابلانه‌ای است، لکن این موضوع ارتباطی با فرهنگ مطالبه خسارت پیدا نمی‌کند و قواعد ماهوی عام حقوق مسئولیت مدنی (مانند عدم مداخله زیان دیده برای برقراری سببیت) و همچنین قواعد شکلی آیین دادرسی مدنی (مانند ایراد دعوی واهی و استفاده از نظریات کارشناسی) مانع از به نتیجه رسیدن این موارد مطالبه خسارت می‌شوند.

ثانیاً، ناچیز بودن مبلغ خسارت نمی‌تواند دلیلی برای محدود کردن حق مطالبه آن باشد. توضیح آنکه ناچیز یا بالا بودن مبلغ خسارت امری نسبی است و چه بسا مبلغ خسارتی که نوعاً یا برای برخی افراد ناچیز محسوب می‌شود، برای یک زیان دیده خاص، مبلغ قابل توجهی محسوب شود. همچنین، در مسئولیت مدنی، مطلق ضرر، ایجاد مسئولیت می‌کند و در ارکان و شرایط دعوی مسئولیت مدنی تفکیکی از لحاظ میزان ارزش مالی ضرر وارد شده وجود ندارد. بدین ترتیب، این موضوع که افزایش دعوی ناچیز و جزئی موجب بالا رفتن تعداد دعوی مسئولیت مدنی و ایجاد فرهنگ مطالبه خسارت می‌شود، نباید به عنوان آسیب تلقی شود.

ثالثاً، مسئولیت مدنی علاوه بر جبران خسارت، اهداف دیگری نیز دارد که لازم است مطلوب یا نامطلوب بودن فرهنگ مطالبه خسارت را در نسبت با مجموعه‌ای از آنها و نه فقط یک هدف خاص ارزیابی کرد. به بیان دیگر، مسئولیت مدنی صرفاً ماشین جبران خسارت و تولید پول برای زیان دیده نیست و اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند که تحقق تمامی آنها در گرو مطالبه خسارت و طرح ادعا از سوی زیان دیده است؛ در غیر این صورت، اگر زیان دیده نسبت به طرح ادعا و مطالبه حق منفعل باشد، اساساً بستری برای تحقق اهداف مسئولیت مدنی به وجود نمی‌آید. مسئولیت مدنی، در ارتباط با زیان دیده، علاوه بر جبران خسارت به صورت پرداخت مبلغی پول، احقاق حق خواهان و رفع تجاوز نسبت به حق او را به دنبال دارد. این هدف نیز آن قدر برای نظام مسئولیت مدنی در برخی از کشورها دارای اهمیت بوده که حتی خسارت نمادین یا اسمی^۱ برای اعلام محق بودن خواهان وضع شده است.

1. Nominal damages

حق طرح دعوی زیان‌دیده برای مطالبه خسارت خود- خواه نهایتاً به نتیجه مطلوب خود برسد خواه در دعوا شکست بخورد- و دسترسی به عدالت^۱ از جمله حقوق اساسی هر شخص در جامعه مدنی است^۲ و محدود کردن این حق به بهانه افزایش تعداد دعاوی و ایجاد هزینه‌های اجتماعی نقض این حق بنیادین است. هدف جانبی دیگر مسئولیت مدنی در ارتباط با زیان‌دیده ایجاد احساس عدالت برای اوست. مسئول شناخته شدن واردکننده زیان می‌تواند این کارکرد را داشته باشد که زیان‌دیده احساس کند با این کار عدالت اجرا شده و این احساس عدالت جانشین حس انتقامی خواهد شد که پایه ایجاد مسئولیت مدنی در جوامع گذشته بوده است.^۳ به بیان دیگر، وقتی افراد زیان‌دیده از طرح دعوا صرف‌نظر می‌کنند، این کار می‌تواند دو دلالت مهم و خطرناک برای حقوق داشته باشد؛ صرف‌نظر کردن از تعقیب زیان‌دیده یا به معنای جایگزینی انتقام خصوصی به جای مطالبه خسارت است یا نشانه گذشت فرد از حق نقض شده خود است که می‌تواند نوعی مجوز برای ایراد زیان به دیگران و نادیده گرفتن قواعد حقوقی تلقی شود. بدین ترتیب، فرهنگ مطالبه خسارت هم در برابر انتقام خصوصی قرار می‌گیرد و هم با نقض حقوق زیان‌دیدگان مقابله می‌کند.

علاوه بر این، هدف دیگر مسئولیت مدنی، که توزیع ضرر است، از طریق فرهنگ مطالبه خسارت تقویت می‌شود؛ همان‌گونه که گفته شد، یکی از تبعات اصلی فرهنگ مطالبه خسارت در افزایش مطالبه خسارت از بیمه‌ها و در نتیجه، افزایش هزینه بیمه خود را نشان می‌دهد. بیمه مسئولیت و تأمین اجتماعی موجب می‌شود مسئولیت مدنی به‌عنوان سازوکاری برای توزیع ضررها به کار رود^۴ و اگر ضرری به زیان‌دیده وارد شده، این دو ابزار از فشار مسئولیت بر عامل زیان می‌کاهند. همچنین با بالا رفتن هزینه بیمه، بخشی از مبالغ پرداختی به شرکت‌های بیمه‌گر، مجدداً از طریق مالیات به جامعه برمی‌گردد. علاوه بر این موارد فرهنگ مطالبه خسارت با تأکید بر مسئولیت واردکنندگان زیان در جامعه، کارکرد بازدارندگی خاص و بازدارندگی عام مسئولیت

1. Access to justice

۲. «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید»، اصل ۳۴ قانون اساسی.

۳. بادینی، حسن، پیشین، ص ۶۲

۴. بادینی، حسن، «قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی)»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۳۸، ۱۳۸۷، شماره ۲، ص ۵۷.

مدنی را محقق می‌کنند؛ هرچه مسئولیت واردکننده زیان محتمل‌تر باشد، احتیاط او و سایر واردکنندگان زیان بالقوه و پیشگیری آنها نسبت به ورود زیان بیشتر خواهد بود. نتیجه آنکه تحقق اهداف متعدد مسئولیت مدنی از جمله جبران خسارت، بازدارندگی و عدالت ترمیمی بستگی به این امر خواهد داشت که زیان‌دیدگان واقعاً دعوی طرح کنند. در واقع اقامه دعوا شرط اجرای مسئولیت مدنی است و در صورت عدم اجرا هیچ‌کدام از آن اهداف محقق نمی‌گردد؛ نه غرامتی پرداخته می‌شود نه بازدارندگی ایجاد می‌شود و نه امکانی برای تحقق عدالت اصلاحی و توزیع زیان به وجود می‌آید و نهایتاً با عدم طرح دعوا از سوی زیان‌دیدگان ظرفیت حقوق مسئولیت مدنی برای دستیابی به آن اهداف تضعیف می‌شود.

نتیجه‌گیری

اشتقاق فراوان مردم یک جامعه به طرح دعوی مسئولیت و مطالبه خسارت و تبدیل شدن آن به یک هنجار فرهنگی رایج در میان شهروندان در حقوق مسئولیت مدنی با عنوان فرهنگ مطالبه خسارت شناخته می‌شود. براساس آثار بسیار زیادی که این پدیده حقوقی- فرهنگی در جوامع دارد، موافقان و مخالفانی ظهور یافتند که هرکدام با بیان استدلال‌ها و دلایل خود این پدیده را به نحو مثبت یا منفی توصیف می‌کنند. برخی معتقدند که این یک معضل و نوعی بیماری قضایی است که نظام حقوقی با مضیق کردن درجه‌های مسئولیت و طرح دعوی باید از ایجاد یا تقویت آن جلوگیری کند و برخی دیگر معتقدند این پدیده امر نامبارکی نیست و مزایای آن بیش از مضرات آن است در نتیجه قانون‌گذار می‌بایست با مبسوط‌تر کردن دروازه‌های مسئولیت مدنی اجازه دسترسی شهروندان به عدالت و تحقق اهداف کلان مسئولیت مدنی را بدهد.

به نظر می‌رسد در انتخاب یکی از این دو راه، بیش از همه باید به این اندیشید که کدام یک بیشتر در خدمت اهداف غایی حقوق از جمله دستیابی به مدنیت بیشتر، حفظ حقوق فردی شهروندان و افزایش توسعه و رفاه جامعه ایرانی است. شاید بتوان میان وضعیت جوامع از لحاظ توسعه‌یافتگی داوری کرد: در جامعه‌ای که توسعه یافته و دغدغه‌ای درباره پیشرفت ندارد، فرهنگ مطالبه خسارت می‌تواند سودمند باشد؛ چراکه اعضای جامعه را درباره عواقب تصمیماتشان دوراندیش می‌کند. آنها به این خواهند اندیشید که از نتیجه اقداماتشان کسی آسیب نبیند. این احتیاط ممکن است در داوری اولیه برای پیشرفت جامعه مبارک نباشد، اما برای جامعه‌ای که به

اندازه کافی توسعه یافته، دغدغه اصلی دور ماندن از مسیر توسعه نیست، بلکه پایبندی به دوراندیشی در هنگام تصمیم‌گیری است. اما این نسخه را نمی‌توان برای جامعه در حال توسعه تجویز کرد؛ چراکه شیوع مطالبه خسارت، اشخاص را به دوراندیشی فرا می‌خواند و نتیجه حتمی دوراندیشی، احتیاط، حزم و محافظه‌کاری است و بی‌تردید، این‌ها با توسعه سازگار نیستند.^۱ پس در این جوامع که هنوز توسعه نیافته‌اند، باید اشخاص را به کنار آمدن با آنچه پیش‌آمده فراخواند. باین‌حال، حقیقت این است که اگر توسعه را به معنای رشد اقتصادی صرف در نظر بگیریم،^۲ طبیعتاً این تفکیک قابل‌توجیه است: جامعه‌ای که به رشد اقتصادی رسیده، باید دل‌نگران رفاه شهروندانش باشد، پس از دعاوی مسئولیت مدنی استقبال می‌کند. اما در جامعه‌ای که به رشد اقتصادی نرسیده، اعضای آن باید در مسیر تحقق هدف مشترکشان، تحمل و مدارای بیشتری داشته باشند. در نتیجه، اگر در مسیر رشد اقتصادی، آسیب یا آسیب‌هایی هم متوجه شخص یا اشخاصی شد، باید گفت: «سر خم می‌سلامت شکند اگر سبوی». برای مثال، به منظور بالا بردن تولید ناخالص مالی لازم است تولید کارخانه‌ها افزایش یابد. برای تحقق این هدف، تمامی تمرکز تولیدکننده باید بر افزایش تولید باشد نه آنکه دغدغه‌ای از نظر دعاوی احتمالی مصرف‌کنندگان یا کارگران داشته باشد. برای همین، باید اشخاصی را که به سبب فعالیت‌های کارخانه آسیب می‌بینند، به رواداری و تحمل فراخواند تا از هزینه‌ها و دغدغه‌های تولیدکنندگان کاسته شود. در این مسیر، اگر مصرف‌کننده‌ای به علت استفاده از کالای معیوب تولیدکننده یا کارگری در محیط کارگاه و در هنگام تولید یا شهروندی به سبب آلودگی‌های کارخانه آسیب دید، حقوق مسئولیت مدنی نباید به خواسته آنها برای جبران تام و تمام زیان‌ها توجه کند، بلکه باید با موانع حقوقی از جمله لزوم اثبات تقصیر و رابطه سببیت میان تقصیر و زیان وارده یا پیش کشیدن پای زیان‌دیده در ایجاد زیان، راه را بر راهروان دعاوی مسئولیت مدنی سخت و دشوار کرد. با فرض اثبات ارکان مسئولیت مدنی نیز در مقام جبران باید به حداقل‌ها بسنده کرد و دامنه زیان‌های قابل‌مطالبه را افزایش نداد. طبیعتاً جامعه نیز می‌تواند با موانع فرهنگی و شناختی، در

۱. نوو، اگلیز و زهرا املی، «اصل احتیاط به مثابه نشانه‌ای از ذهنیت و نیازهای انسان پست مدرن»، دو فصلنامه فلسفی‌شناختی، پژوهشنامه علوم انسانی، ۱۳۸۸، شماره ۱ / ۶۱ صص ۱۲۱ به بعد.
۲. مصطفوی ثانی، علی و محمد نعمتی، «تحلیل آسیب‌شناسانه توسعه متوازن منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه کشور»، سال هفتم، ۱۳۹۸، شماره ۲۶، ص ۳۳.

مقام منع زیان‌دیدگان از طرح دعاوی مسئولیت مدنی برآید. همه اینها کمک خواهد کرد تا تولیدکننده بدون دغدغه به مسیر تولید خویش ادامه دهد؛ مسیری که در پایان، رشد اقتصادی جامعه را به دنبال خواهد داشت. بعد از رسیدن به مقصد نهایی، کشتیبان می‌تواند سیاستی دگر آغاز کند: دعاوی مسئولیت مدنی را تشویق کند و تولیدکنندگان را به احتیاط و حزم فراخواند. بدین ترتیب، نسلی که در مسیر توسعه در جامعه وجود دارد، باید در برابر آنچه بر سرش می‌رود، صبر پیشه کند؛ به این امید که نسل‌های بعدی در رفاه بیشتری قرار بگیرند. اما حقیقت این است جامعه‌ای که نتواند شهروندان کنونی‌اش را از سختی و دشواری‌های بیخشد، به آینده‌اش نیز چندان اعتمادی نیست. به‌علاوه، مقصد نهایی کجاست؟ از کجا به بعد می‌توان گفت که جامعه توسعه یافته است و دیگر دغدغه‌ای برای آن ندارد؟ مجهول بودن مقصد ابهام‌ها را افزایش می‌دهد و از توان اشخاص برای صبوری می‌کاهد. همچنین، به فرض هم که به توسعه رسیدیم، چگونه می‌توان جامعه‌ای که یک‌سوی آن به انضلام و سوی دیگرش به تعدی به حقوق دیگران عادت کرده‌اند، به تغییر رفتار ترغیب کرد؟ «ترک عادت همه گر زهر بود، دشوار است»^۱ افزون بر اینها، «باید توجه داشت که توسعه کلیت پیچیده‌ای است که نه تنها عناصر اقتصادی، بلکه عناصر اجتماعی، سیاسی و اداری نیز در آن نقش دارند»^۲. به‌همین دلیل، نمی‌توان جامعه‌ای را که به رشد اقتصادی رسیده ولی توسعه اجتماعی را تجربه نکرده، توسعه‌یافته تلقی کرد. به بیان دیگر، «توسعه اجتماعی و اقتصادی دو روی یک سکه‌اند؛ سکه‌ای که توسعه نامیده می‌شود. نمی‌توان در بلندمدت جامعه‌ای را که فقط در یک جهت پیشرفته باشد توسعه‌یافته تلقی کرد. ممکن است کشوری رشد و توسعه اقتصادی بالایی را تجربه کند، ولی پایداری این رشد در گرو اتخاذ سیاست مناسب برای نیل به توسعه اجتماعی است»^۳. بر این اساس و با توجه به لزوم توسعه همه‌جانبه، نباید از شیوع دعاوی مسئولیت مدنی ترسید و آن را خطری برای توسعه تلقی کرد، بلکه «از خلاف‌آمد عادت» این اتفاق می‌تواند در بطن خویش، توسعه متوازن را به دنبال داشته باشد.

۱. صائب تبریزی

۲. جباری، حبیب، «توسعه اجتماعی و اقتصادی: دو روی یک سکه؟»، مجله رفاه اجتماعی، دوره ۳،

۱۳۸۲، شماره ۱۰، ص ۵۵.

۳. همان.

به‌علاوه با این تدبیر، احتمال بیشتری وجود دارد که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص» از تعرض مصون بماند. (اصل ۲۲ قانون اساسی) در نتیجه، نباید افراد جامعه را از طرح دعوی مسئولیت مدنی برحذر داشت و آنکه به امید دادگری به دادگستری روی آورده را ناامید کرد. در واقع، نباید کسی را که از بسترهای حقوقی فراهم‌شده استفاده کرده و با پایبندی به قواعد جامعه مدرن مطالبه خسارت می‌کنند، سرزنش کرد که چرا با درد خویش خو نکرده و ترک درمان نگفته است؟ چرا همچون انسان‌های قرن‌های پیشین، بلایی که بر سرش ریخته را نتیجه گناه خودش ندانسته؟ چرا جهان را عادلانه ندیده و عقوبت بدکار را به دست ناپیدای انتقام طبیعت نسپرده است؟ بلکه اتفاقاً، دغدغه اصلی نظام حقوقی در این باب باید این باشد که چرا افرادی که آسیب دیده‌اند، ترجیح می‌دهند از بستر حقوقی استفاده نکنند و به‌جای آنکه برپایی عدالت را از دادگستری انتظار داشته باشند، هنوز به عادلانه بودن جهان اعتقاد داشته باشند؟ این باورها در نهایت ابزاری برای توجیه پذیرش ستم است و به همان اندازه که ستمگری و سلطه‌گری ناپسند است، ستم‌کشی و سلطه‌پذیری نیز ناپسند است. (اصل دوم قانون اساسی) افزون بر اینها، پاسخ‌گو کردن عامل زیان و الزام او به جبران زبانی که وارد آورده، قرار دادن هرچیز در جای خودش (عدل) است و بر بخشش عامل زیان (جود) ترجیح دارد.^۱ در نتیجه، دل‌نگرانی نظام حقوقی، بیشتر باید به سوی کسانی باشد که گزینه انظلام را انتخاب می‌کنند نه آنان که با مکافات خواستن، پاسخگو کردن دیگری را خواستار می‌شوند. اینان در نهایت سبب می‌شوند که مسئولیت‌پذیری افزایش یافته، سطح ایمنی بالاتر رفته و در نهایت اهداف حقوق مسئولیت مدنی تحقق یابد. این رویکرد مزیت دیگری نیز دارد و آن به چالش کشیدن نظام حقوقی است: وقتی دادگاه‌ها با حجمی از دعاوی مسئولیت مدنی به‌خصوص با دعاوی تازه و کمتر طرح‌شده در این حوزه روبه‌رو شوند، در امور حکمی ناچار خواهند شد با تفسیرهای تازه‌تر نظام قضایی را برای پاسخ‌گویی به مسئله‌ها آماده کنند. در این راه، مطمئناً ادبیات حقوقی و البته در صورت لزوم، قانون‌گذار نیز وادار به همراهی خواهد شد. در امور موضوعی نیز تجهیز و تقویت نظام کارشناسی می‌تواند در مسیر راستی‌آزمایی ادعاهای خواهان‌ها از نظر احراز ارکان مسئولیت مدنی یاری‌رسان باشد. به‌علاوه، همین نظام کارشناسی می‌تواند در انتخاب بهترین شیوه جبران

۱. «وَ سئِلَ (علیه السلام) أَيُّهُمَا أَفْضَلُ، الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ؟ فَقَالَ (علیه السلام): الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا؛ وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ؛ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا».

زیان (به‌ویژه در زبان معنوی) کمک کند. بدین ترتیب، این چالش‌ها کمک خواهد کرد تا نظام حقوقی از رخوت و سستی به درآمد، تکامل یابد و به پختگی بیشتری برسد؛ درحالی‌که وقتی اشخاص راه مدارا را انتخاب و از طرح دعوی مسئولیت مدنی صرف‌نظر می‌کنند، فرصت پیشرفت را از نظام حقوقی سلب می‌کنند.

بدین ترتیب، نتیجه نهایی این نوشتار این است که فرهنگ مطالبه خسارت فرهنگ نامبارکی نیست، بلکه اتفاقاً می‌تواند ابزاری مناسب برای کنترل نظم جامعه و پاسداشت حقوق افراد جامعه باشد. با این حال، توجه به نکته زیر قابل ملاحظه است:

مطمئناً افرادی هستند که زیانی ندیده یا زیان درخوری ندیده‌اند و با این حال، طرح دعوی می‌کنند؛ اما نباید دل‌نگران آنها بود. در برابر این گروه، باید از حقوق شکلی خواست تا با نظم بخشیدن به ضمانت‌اجراهای دعاوی واهی، بازدارندگی مناسب را فراهم و از طرح دعاوی بی‌اساس جلوگیری کند.^۱ به علاوه، اگر حقی برای طرح دعوا وجود دارد، حتماً ممنوعیت و محدودیتی هم برای سوءاستفاده از این حق وجود دارد. (اصل ۴۰ قانون اساسی) پس می‌توان در برابر آنکه به باطل طرح دعوا می‌کند و بیهوده وقت دادگستری و طرفش را می‌گیرد، ایستاد و او را به خاطر سوءاستفاده‌اش از حق طرح دعوا محکوم کرد.

منابع

کتاب

۱. بادینی، حسن، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۱. «در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواست‌های مربوط به امور حسبی به استثنای مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است، خوانده می‌تواند برای تأدیه خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق الوکاله که ممکن است خواهان محکوم شود از دادگاه تقاضای تأمین نماید. دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور را با توجه به نوع و وضع دعوا و سایر جهات موجه بداند، قرار تأمین صادر می‌نماید و تا وقتی که خواهان تأمین ندهد، دادرسی متوقف خواهد ماند و در صورتی که مدت مقرر در قرار دادگاه برای دادن تأمین منقضی شود و خواهان تأمین ندهد به درخواست خوانده قرار رد دادخواست خواهان صادر می‌شود. تبصره- چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا تأخیر در انجام تعهد یا ایدای طرف یا غرض‌ورزی بوده، دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تأدیه سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم نماید»، ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی. «... خوانده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیر محقق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید...»، ماده ۵۱۵ همان قانون.

مقاله

۲. ایزانلو، محسن و زهرا اسدی، **مطالعه تطبیقی کارکردهای دوگانه اصل احتیاط در مسئولیت مدنی**، مجله مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۱۰، ۱۳۹۸، شماره ۲، صص ۴۰۷-۴۲۸.
۳. بادینی، حسن، **بررسی تطبیقی قابلیت جبران ضرر اقتصادی در مسئولیت مدنی**، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، ۱۳۹۰، شماره ۱، صص ۵۹-۷۸.
۴. بادینی، حسن، **قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی)**، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۸، ۱۳۸۷، شماره ۲، صص ۳۹-۶۸.
۵. بادینی، حسن، **نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۰، ۱۳۸۹، شماره ۱، صص ۷۳-۹۳.
۶. بادینی، حسن، **هدف مسئولیت مدنی**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۶۶، ۱۳۸۳، شماره ۵۲۰، صص ۵۵-۱۱۳.
۷. بادینی، حسن و سمیه عباسی، **ارزیابی مسئولیت مدنی و مقررات ایمنی در پیشگیری از فعالیت‌های خطرآفرین**، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، ۱۳۹۶، شماره ۹۹، صص ۳۱-۵۸.
۸. جباری، حبیب، **توسعه اجتماعی و اقتصادی: دو روی یک سکه؟**، مجله رفاه اجتماعی، دوره ۳، ۱۳۸۲، شماره ۱۰، صص ۵۵-۸۰.
۹. شوشی نسب، نفیسه، **نحوه ارزیابی خسارت‌های درد و رنج**، مجله پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳، ۱۳۹۰، شماره ۳۳، صص ۱۰۱-۱۳۶.
۱۰. قلی‌پور، آرین، محمد ابویی اردکان، **حسن قالیباف اصل و اصغر اسدی، استقرار فرهنگ ریسک در مؤسسه‌های مالی**، مدل‌سازی ریسک و مهندسی مالی، دوره ۲، ۱۳۹۶، شماره ۱، صص ۴۲-۵۹.
۱۱. مصطفوی ثانی، علی و محمد نعمتی، **تحلیل آسیب‌شناسانه توسعه متوازن منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه کشور**، سال هفتم، ۱۳۹۸، شماره ۲۶، صص ۳۱-۶۹.
۱۲. نوو، اگلیز و زهرا املی، **اصل احتیاط به مثابه نشانه‌ای از ذهنیت و نیازهای انسان پست مدرن**، دو فصلنامه فلسفی شناختی، پژوهشنامه علوم انسانی، ۱۳۸۸، شماره ۱ / ۶۱، صص ۱۲۱-۱۴۶.

References

Books

1. Abel, Richard and Kritzer, Herbert, *English Lawyers between Market and State: The Politics of Professionalism* 'The Fracturing Legal Profession: The Case of Plaintiffs' Personal Injury Lawyers, vol: 8, Oxford Socio-Legal Studies publication, 2003.
2. Badini, Hassan, *The Philosophy of Civil Responsibility*, Enteshar co, 1st edition, 2005. (in Persian)
3. Barnes, David and Lynn Stout, *The Economic Analysis of Tort Law*, West Publishing Co, 1392.

Articles

4. Badini, H, "A Critical Study of Rescannable and Ordinary Person for Detrmining Fault in Tort Liability", *Private Law Studies Quarterly*, vol: 40, Issue. 1, 2011, pp 73-93. (in Persian)
5. Badini, H, "Comparative Study of Reparability of Economic Loss in Tort Law", *Private Law Studies Quarterly*, vol: 41, no.1, 2012, pp 59-78. (in Persian)
6. Badini, H, "Policies Governing the Concurrent Application of Systems of Compensations (Tort Law, Private Law, Insurance and Social Security)", *Private Law Studies Quarterly*, vol: 38, no. 2, 2009, pp 39-68. (in Persian)
7. Badini, H, "The Philosophy of Civil Responsibility", *Law and Political Sciences*, vol: 66, no. 520, 2004, pp 55-113. (in Persian)
8. Badini, H, Abbasi, S, "Assessment of the Preventive Effect of Tort Law and Safety Regulation in Hazardous activities", *Judicial Law Journal*, vol: 81, no. 99, 2017, pp 31-58. (in Persian)
9. Ennis, Maeve & Vincent, Charles, "Medical Accidents and Litigation", *Journal of Law and Policy*, vol: 16, 1994, pp 97-121.
10. Gholi pour, A, Abooyee Ardakan, M, ghalibaf Asl, H, Asadi, A, "Deployment of Risk Culture In Financial Institutions, *Journal of Risk Modeling and Financial Engineering*, vol: 2, no. 1, 2017, pp 42-59. (in Persian)
11. Hand, James, "The Compensation Culture: Cliché or Cause for Concern", *Journal of Law and Society*, vol: 37, no. 4, 2010, pp 1-18.
12. Izanloo, M, Asadi, Z, "Comparative Study of the Dual Functions of the Precautionary Principle in Civil Liability", *Comparative Law Review*, vol: 10, Issue 2, 2019, p 407-428. (in Persian)

13. Jabari, H, "Socio-Economic Development: Two Faces of a Coin", *Refah Journal*, vol: 3, no. 10, 2003, pp 55-80. (in Persian)
14. Lewis, Richard and Morris, Annette, "Tort Law Culture: Image and Reality", *Journal of Law and Society*, vol: 39, no. 4, 2012, pp 562-592.
15. Morris, Annette, "Spiraling or Stabilizing? The Compensation Culture and Our Propensity to Claim Damages for Personal Injury", *The Modern Law Review*, Vol. 70, no. 3, 2007, pp 349-378.
16. Mostafavisani, A, Nematy, M, "The Pathological Analysis of Regional Balanced Development in National Development Plans", *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, vol: 7, no. 26, 2019, pp 31-69. (in Persian)
17. Nouvoo E, Emeli Z, "The Principle of Precaution aa a Sign of Mentality and Needs of Postmodern Man", *Shinakht Journal*, vol: 2, no. 61, 2009, pp 121-146. (in Persian)
18. O'Sullivan, Lauren, "Money for Nothing and Cheques for Free: Negligence and the Perceived Compensation Culture", *UK Law Student Review*, vol. 2, no. 1, 2014.
19. Quill, Eoin & Raymond Frriel, *Damages and Compensation Culture: Comparative Perspective*, Bloomsbury pub, 1st edition, 2016.
20. Shoushi Nasab, N, "Assessment of Pain and Suffering Damages", *Public Law Research*, vol: 13, no. 33, 2012, pp 101-136. (in Persian)
21. Williams, Harriet Ann, "Compensation Culture: A Storm in a Coffee Cup", *Southampton Student Law Review*, vol: 1, no. 1, 2011, pp 45-67.
22. Williams, Kevin, "State of Fear: Britain's Compensation Culture Reviewed", *Legal Studies*, vol. 25, no. 3, 2005, pp 499-515.

Reports

23. AON Report, "Blame, Claim and Gain: The Compensation and Blame Culture, Myth or Reality?", 2004. (last visited 23/08/2023).
24. Baroness, Ashton, "Written Ministerial Statement - House of Lords", Department of Constitutional Affairs. Retrieved 20 March 2008. Available at: http://www.dca.gov.uk/legist/compensation_wms_lords.pdf. (last visited 23/08/2023).
25. Broughton, Jonathan et al, "The Cost of Compensation Culture, The Institute & Faculty of Actuaries", December 2002, P: 68. Available at: <https://www.actuaries.org.uk/system/files/documents/pdf/lowe.pdf>. (last visited 23/08/2023).

26. Caranta. R, “The Precautionary Principle in Italian Law”, Precautionary and Administrative Law XVLL congress 16-22 July, Michel, Bruxelles, 2007 (last visited 23/08/2023).
27. Lord Young, “Common Sense Common Safety: Report on Health and Safety Laws and the Growth of the Compensation Culture”, 2010 (last visited 23/08/2023).

The Socio-Economic Consequences and Effects of Compensation Culture

Abbas Mirshekari*

Mona Abdi**

Nafiseh Maleki***

Abstract

The great desire of citizens of a society to file a lawsuit and claim damages for any matter, even minor, unreasonable or dishonest, and becoming this behavior to a widespread habit and a common cultural norm has caused the creation of a phenomenon called "Compensation Culture" which can be identified in different time periods by comparison with the number of lawsuits filed in macro scale in the society. From the beginning, when this issue was raised in the England and American legal system, it had supporters and opponents who emphasized the positive and negative effects of this phenomenon. In order to better understanding the importance and necessity of studying this subject in every legal system, it is appropriate to introduce these effects in the first step. This article explains these economic and social effects with a descriptive and analytical approach. The findings of this study show that although increasing claim for damages in society has negative effects such as increasing financial and social costs, excessive risk aversion and uncertainty and spreading the culture of blaming others, it also has positive effects such as increasing responsibility and risk evaluation, improving safety and health levels for achieving the goals of civil liability law which cannot be easily neglected. Therefore, in order to benefit from the positive effects and prevent the negative effects, the role of legislators in legislating effective rules is very important.

Keywords:

Risk Aversion, Responsibility, Improving the Level of Safety and Health, Achieving the Goals of Civil Responsibility Law

* Assistant professor, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author) mirshekariabbas1@ut.ac.ir

** Ph.D., Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran monaabdi7@yahoo.com

*** Ph.D. Candidate, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran nafiseh.maleki@ut.ac.ir

